



Studies on Israel - US

Vol 25. No 3. Autumn 2024

Received date: 2024.08.20

Acceptance date: 2024.10.23



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The Analysis of the Relationship Between Political Stability and Strategic Rent in the Middle East: Emphasizing the Role of the Israeli Regime

Mohammad Hassan Labeyki¹



Abstract

The Middle East has gained significant importance in the history of international politics due to its complex and prolonged crises. Factors such as ethnic and religious tensions, competition among regional and global powers, and abundant natural resources have all contributed to the instability of the region. This study aims to examine the relationship between political stability and strategic rent in the Middle East, with an emphasis on the role of the Israeli regime. The present research is qualitative, with data gathered through document analysis and information analyzed descriptively and analytically. The findings indicate that in the Middle East, the Israeli regime, leveraging extensive military and economic support from the West, has established a strategic rent that aids its response to regional threats and enhances its influence. Given the region's fragile political and security conditions, this support has enabled Israel to adopt aggressive policies, expand its influence, and increase challenges for neighboring countries. On the other hand, strategic rents derived from oil resources in Middle Eastern countries like Saudi Arabia and Iran have been crucial in strengthening their internal stability while also intensifying regional competition and security tensions. Therefore, it can be concluded that strategic rent serves as an effective tool for managing relative internal stability and countering external threats in the Middle East, but it has simultaneously contributed to the reinforcement of competitive and aggressive approaches.

Keywords: Strategic Rent, Israeli Regime, Middle East, Stability, Political Stability.

1 - MA in Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

بررسی نسبت ثبات سیاسی و رانت استراتژیک در خاورمیانه:

با تأکید بر جایگاه رژیم اسرائیل

محمد حسن لیبکی^۱



چکیده

خاورمیانه به دلیل بحران‌های پیچیده و طولانی مدت خود، در تاریخ سیاست بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای یافته است. عواملی مانند تنش‌های قومی و مذهبی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و همچنین منابع طبیعی فراوان، به بی‌ثباتی منطقه دامن زده‌اند. در این پژوهش هدف اصلی بررسی نسبت ثبات سیاسی و رانت استراتژیک در خاورمیانه: با تأکید بر جایگاه رژیم اسرائیل است. روش پژوهش حاضر، کیفی، از نظر روش گردآوری اطلاعات اسنادی و از نظر روش تحلیل اطلاعات، توصیفی/تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که در خاورمیانه، رژیم اسرائیل با بهره‌گیری از حمایت‌های نظامی و اقتصادی گسترده غرب، رانت استراتژیکی را ایجاد کرده که به این رژیم در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و تقویت نفوذ خود کمک کرده است. این پشتیبانی‌ها، با توجه به شرایط متزلزل سیاسی و امنیتی منطقه، رژیم اسرائیل را قادر ساخته تا به سیاست‌های تهاجمی روی آورده و ضمن گسترش نفوذ خود، به چالش‌های بیشتری برای کشورهای همجوار دامن بزند. از سوی دیگر، رانت‌های استراتژیک حاصل از منابع نفتی در کشورهای خاورمیانه مانند عربستان و ایران، عامل کلیدی در تقویت ثبات داخلی آنها بوده و در عین حال، به رقابت‌های منطقه‌ای و تنش‌های امنیتی دامن زده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد، رانت استراتژیک به‌عنوان ابزاری مؤثر برای مدیریت ثبات نسبی داخلی و مقابله با تهدیدات خارجی در خاورمیانه عمل کرده، اما هم‌زمان به تقویت رویکردهای رقابتی و تهاجمی نیز منجر شده است.

واژگان کلیدی: رانت استراتژیک، رژیم اسرائیل، خاورمیانه، ثبات، ثبات سیاسی.

مقدمه و بیان مسئله

خاورمیانه به دلیل بحران‌های پیچیده و طولانی مدت خود در تاریخ سیاست بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای یافته است. عواملی مانند تنش‌های قومی و مذهبی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، و همچنین منابع طبیعی فراوان، به بی‌ثباتی منطقه دامن زده‌اند. بحران‌هایی چون مناقشات رژیم اسرائیل و فلسطین، جنگ‌های داخلی در سوریه و یمن، و رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان سعودی، نه تنها از بین نرفته‌اند، بلکه با ظهور بحران‌های جدید، بر پیچیدگی شرایط افزوده شده است. این بحران‌ها نقش قدرت‌های بزرگ و همچنین بازیگران غیر دولتی را برجسته کرده و شرایطی فراهم آورده که هر کدام از این بازیگران، تلاش می‌کنند منافع خود را از طریق حمایت از گروه‌های نیابتی و یا مداخله مستقیم دنبال کنند (Khalid & Naz, 2018).

از طرفی خاورمیانه به دلیل وجود منابع غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق دارای رانت استراتژیک شناخته می‌شود (Fukutomi, 2024). رانت استراتژیک در خاورمیانه به معنای بهره‌برداری از منابع طبیعی و ژئوپلیتیکی است که کشورهای منطقه، به‌ویژه از طریق درآمدهای نفتی و گازی، کسب می‌کنند. این منابع به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا از نظر اقتصادی مستقل‌تر عمل کنند و فشارهای سیاسی داخلی را کاهش دهند. این امر همچنین به آنها قدرت می‌دهد تا بدون وابستگی به درآمدهای مالیاتی داخلی، پروژه‌های توسعه‌ای را پیش ببرند. این نوع رانت معمولاً با دولت‌های رانتی مرتبط است که منابع خارجی مانند نفت را به جای مالیات‌های داخلی برای تأمین هزینه‌های دولتی استفاده می‌کنند (Beck & Richter, 2021).

کشورهای این منطقه، مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، و قطر، بخش قابل توجهی از درآمد خود را از فروش نفت و گاز کسب می‌کنند. این درآمدها دولت‌ها را از وابستگی به درآمدهای مالیاتی آزاد کرده و به آنها این امکان را می‌دهد تا از سیاست‌های توسعه‌ای و قدرت نظامی بهره‌مند شوند، بدون اینکه مجبور باشند به نیازهای اقتصادی مردم پاسخ دهند (Alsayegh, 2023).

بر خلاف کشورهای نفت‌خیز، اسرائیل رانت استراتژیک خود را از طریق موقعیت ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی به دست آورده است. این کشور به دلیل قرارگیری در یک منطقه استراتژیک و نقش مهمش در سیاست‌های غرب در خاورمیانه، از حمایت‌های گسترده بین‌المللی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده، برخوردار است. این حمایت‌ها عمدتاً در قالب کمک‌های نظامی و اقتصادی ارائه می‌شود و نقش مهمی در حفظ امنیت و برتری نظامی اسرائیل در منطقه دارد. همچنین، اسرائیل با توسعه صنعت فناوری‌های

پیشرفته، به‌ویژه در حوزه‌های نظامی، امنیتی و سایبری، منبع بزرگی از رانت اقتصادی و استراتژیک برای خود ایجاد کرده است.

رانت استراتژیک رژیم اسرائیل نقش مهمی در امنیت منطقه‌ای دارد. حمایت‌های نظامی و تکنولوژیکی که این کشور از سوی قدرت‌های غربی دریافت می‌کند، موجب تقویت قدرت دفاعی و بازدارندگی اسرائیل در برابر تهدیدهای منطقه‌ای می‌شود. علاوه بر این، توسعه صنایع نظامی و امنیتی اسرائیل نه تنها امنیت داخلی آن را تضمین می‌کند، بلکه به این کشور امکان می‌دهد تا از طریق فروش تجهیزات و فناوری‌های نظامی به سایر کشورها، منافع اقتصادی و استراتژیک بیشتری کسب کند.

رژیم اسرائیل با سیاست‌های تهاجمی تنش‌زا به اتکای کمک نظامی و حمایت سیاسی دولت واشینگتن و نیز زرادخانه هسته‌ای خود در این زورآزمایی برای تغییر توازن قوای منطقه‌ای و تجزیه کشورهای بزرگ‌تر به‌ویژه ایران عراق و عربستان برای دستیابی به نقشه جدید خاورمیانه در تلاش است تا جای پای محکمی در نظام امنیت منطقه‌ای بیابد. بی‌اعتمادی گسترده به بازیگران دولتی و غیر دولتی فرصت‌طلبی برای پیشبرد منافع ملی، دامن زدن به توهّمات امنیتی و نگرش بدبینانه نسبت به آینده‌ای روشن برای مردم خاورمیانه، وجوه مشترک سیاست‌های منطقه‌ای تل‌آویو و متحدانش در غرب است (لطفیان، ۱۳۹۶).

با حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (حمله گسترده گروه حماس به اسرائیل) اهمیت این رانت استراتژیک در دفاع از رژیم اسرائیل و پاسخ به تهدیدات منطقه‌ای برجسته شد. حمایت‌های گسترده از سوی ایالات متحده و کشورهای غربی در قالب کمک‌های نظامی و اقتصادی، اسرائیل را در جایگاهی قرار می‌دهد که می‌تواند به تهدیدات شدید، مانند حملات حماس، با سرعت و قاطعیت پاسخ دهد که این مسئله جو امنیتی در خاورمیانه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رژیم اسرائیل به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در خاورمیانه، موقعیت خاصی از نظر ثبات نسبی و روابط بین‌المللی دارد. این ثبات و نقش استراتژیک اسرائیل می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر توزیع منابع و رقابت‌ها در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی داشته باشد. بررسی این موضوع می‌تواند به درک عمیق‌تری از ساز و کارهای قدرت و رقابت در خاورمیانه منجر شود و روابط بین‌المللی کشورهای مختلف با این منطقه را روشن‌تر کند.

همچنین تحلیل رابطه میان ثبات سیاسی و رانت استراتژیک در خاورمیانه می‌تواند به ارزیابی پویایی‌های داخلی کشورها و نحوه تأثیر آن بر سیاست‌های خارجی آنها کمک کند. به‌عنوان مثال، کشورهایی که

به منابع طبیعی و رانت استراتژیک متکی هستند، ممکن است برای حفظ و تقویت ثبات داخلی خود به رقابت‌های منطقه‌ای و حتی جهانی دامن بزنند. در داخل کشور نیز درک این روابط به محققان و تصمیم‌گیران سیاسی این امکان را می‌دهد تا با دیدگاه جامع‌تری به مسائل امنیتی و سیاست خارجی در این منطقه نگریده و برنامه‌ریزی‌های خود را بر اساس تحولات آینده تنظیم کنند.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- چه ارتباطی بین بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در خاورمیانه و استراتژی‌های تهاجمی رژیم اسرائیل در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای وجود دارد؟
- ۲- چگونه الگوی حمایت‌های نظامی و اقتصادی غرب از رژیم اسرائیل به تقویت رانت استراتژیک این کشور و تقویت جایگاه سیاسی رژیم اسرائیل منجر شده‌اند؟
- ۳- رانت استراتژیک در کشورهای نفتی (عربستان، ایران و...) چه ارتباطی با ثبات سیاسی داخلی و منطقه دارد؟

پیشینه پژوهش

ارغوانی پیرسلامی (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان «اجماع نوظهور نفتی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس؛ تبیین گذار از رانت تخصیصی به رانت مولد» انجام داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وقوع مجموعه‌ای از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی نظیر تغییر در نسل رهبران، تولد دولت‌های توسعه‌گرا، متوازن‌سازی سیاست خارجی، بهره‌گیری از قدرت هوشمند و اتصال به اقتصاد جهانی، زمینه شکل‌گیری این الگوی نوین توسعه را فراهم کرده و به شکل‌گیری حرکت جدیدی در میان اعضای شورا از رانت تخصیصی به مولد منتج شده است. محمدی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵» انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بیکاری، آلودگی هوا، کم‌آبی، فرقه‌گرایی، بحران، هویتی، مشکلات جمعیتی، پناهندگان و آوارگان داخلی، بحران بدهی، وابستگی رانتی، فرار مغزها، بحران تقسیم آب، بحران‌های مرزی و ارضی، تنش با همسایگان و کشورهای منطقه، بحران نقض حقوق بشر، بحران عدم کنترل مؤثر بر بخشی از زمین، فعالیت گروه‌های تروریستی، فعالیت احزاب سیاسی رادیکال اسلام‌گرا، وضعیت دموکراسی اصلی‌ترین بحران‌های کشورهای منطقه تا سال ۲۰۳۵ خواهد بود.

عطارزاده (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «سیاست آبی اسرائیل؛ تهدید امنیت خاورمیانه در رهیافتی واقع‌گرایانه» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، اسرائیل آب را نه به‌عنوان یک منبع اقتصادی، بلکه به‌عنوان مسئله‌ای سیاسی، نظامی و امنیتی در نظر می‌گیرد. این کشور از روش‌های مختلفی برای دستیابی به منابع آبی در منطقه بهره برده است، مانند اجبار، تهدید، سرقت و غیره. رژیم صهیونیستی در بسیاری از موارد تلاش کرده تا با اعمال فشار و تهدید، اهداف خود را در این زمینه به دست آورد. این استراتژی در کشورهای عربی نیز تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که برخی کشورهای عربی به اسرائیل امتیازات خاصی اعطا می‌کنند. با اتکا به قدرت رژیم صهیونیستی و استفاده از زور، چه به صورت آشکار و چه با تهدید به جنگ، اسرائیل توانسته در معادلات آبی منطقه جایگاه برجسته‌ای پیدا کند. لطفیان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «دیدگاه راهبردی اسرائیل و برآورد تهدید امنیتی آن برای خاورمیانه» انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان داد، اگرچه سیاست‌های امنیتی اسرائیل برای خاورمیانه تهدید به شمار می‌آید، به دلایل بی‌شماری، از جمله آسیب‌پذیری فزاینده اقتصادی ناشی از نظامی‌گری حکومت، وابستگی خارجی به قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، درگیری‌های سیاسی، اقتصادی-اجتماعی داخلی، برجسته‌تر شدن نقش سیاسی و فعالیت‌های مسلحانه گروه‌های تروریستی، تضعیف و در نهایت برکناری دولت‌های غیر مردمی و اقتدارگرای غرب‌گرا در خاورمیانه، دولت نتانیاهاو به اهداف راهبردی خود نخواهد رسید. دیزجی^۱ (۲۰۲۴) پژوهشی با عنوان «تأثیر شوک‌های نفتی منفی بر هزینه‌های نظامی و دموکراسی در کشورهای نفتی خاورمیانه بزرگ: پیامدهای تحریم‌های نفتی» انجام داده است. یافته‌ها نشان داد که واکنش‌های هزینه‌های نظامی و غیر نظامی (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) به شوک‌های منفی نفتی، پس از سه تا چهار سال، منفی و از نظر آماری معنادار می‌شوند. کاهش توان مالی دولت رانتیر و هزینه‌های حمایتی آن، محیط سیاسی و کیفیت دموکراسی را بهبود می‌بخشد. با این حال، این بهبود سیاسی با تأخیر رخ می‌دهد، زیرا دولت ممکن است در مرحله اولیه شوک‌های نفتی، در برابر کاهش هزینه‌ها مقاومت کند. پیامدهای سیاستی این نتایج برای سازمان‌ها و سیاست‌گذاران علاقه‌مند به تأثیر امنیتی و سیاسی تحریم‌های نفتی مفید است. محدودیت‌های صادرات نفت هزینه‌های نظامی دولت‌های رانتیر نفتی را کاهش می‌دهد و در بلندمدت شاخص‌های دموکراسی آن‌ها را بهبود می‌بخشد، هرچند که تأثیرات کوتاه مدت ممکن است منفی باشد. این نتایج نسبت به شاخص‌های مختلف فراوانی

نفت، داده‌های متفاوت در مورد هزینه‌های نظامی، شاخص‌های مختلف دموکراسی، و گروه‌های مختلف کشورهای وابسته به نفت حساس نیستند.

فوتوکومی^۱ (۲۰۲۴) پژوهشی با عنوان «نفت یا مسائل ژئوپلیتیکی؟ بازاندیشی کمی در مورد بی‌ثباتی سیاسی در خاورمیانه» انجام داده است. نتایج نشان داد، که تجربه استعمار توسط حکومت‌های غربی به خاورمیانه آسیب‌زده است و موقعیت ژئوپلیتیکی حساس بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد اثرات زیان‌باری داشته است. از سوی دیگر، نتایج همچنین نشان می‌دهد که ضعف در صنعت به دلیل اقتصاد نفتی، نرخ بالای بیکاری و نبود دموکراسی از جمله متغیرهای کلیدی در توضیح بی‌ثباتی سیاسی هستند. از دهه ۲۰۰۰، ایالات متحده با انقلاب نفت و گاز، نرخ خودکفایی انرژی خود را افزایش داده و خاورمیانه به‌عنوان یکی از گزینه‌های تأمین نفت ایالات متحده باقی مانده است. از سوی دیگر، خاورمیانه برای صادرات تسلیحات ایالات متحده نیز اهمیت دارد. به دلیل این عوامل، خاورمیانه در سال‌های اخیر با بحران ژئوپلیتیکی مواجه شده است.

امور^۲ (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «اسرائیل، بهار عربی و نظم منطقه‌ای در حال تحول در خاورمیانه: یک ارزیابی استراتژیک» انجام داده است. این تحلیل نشان می‌دهد که قیام‌های بهار عربی، محیط از پیش آنارشیک خاورمیانه را تشدید کرده و بی‌اعتمادی و خصومت در اسرائیل را افزایش داده است. فوریت رویکردهای حمایتی و نظامی‌گرایی در اسرائیل بیانگر رویکرد واقع‌گرایانه‌ای برای تثبیت استراتژیک اولیه آن است. با گذشت زمان، پویایی منطقه‌ای به ساختاری پیش‌بینی‌پذیرتر تبدیل شده است. با اینکه نشانه‌هایی از فوران‌های سیاسی بالقوه در منطقه دیده شده، دیگر تحولات به تداوم در خاورمیانه منجر شده‌اند که این موضوع به نفع استراتژیک اسرائیل است.

ملاحظات نظری

ثبات سیاسی و رانت نفتی در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه بیشترین میزان وابستگی به درآمدهای منابع را در جهان دارد در حالی که سهم درآمدهای کل منابع در تولید ناخالص داخلی^۳ در یک کشور متوسط در جهان حدود پنج درصد است،

1 - Fukutomi

2 - Amour

3 - GDP

این نسبت برای کشورهای وابسته به نفت در خاورمیانه حدود ۳۱ درصد تا ۳۴ درصد است (Bjorvatn & Farzanegan, 2015).

خاورمیانه یکی از مناطق با بیشترین درگیری‌ها و تنش‌ها هستند. درگیری‌های مسلحانه‌ای که قدرت‌های غربی در آن‌ها مداخله کردند، مانند جنگ‌های خاورمیانه (۱۹۴۸-۱۹۷۳)، جنگ فلسطین و اسرائیل (که همچنان ادامه دارد)، جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰)، و جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، منجر به بزرگ‌ترین آشفتگی‌های سیاسی در این منطقه شدند. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ باعث جنگ افغانستان در همان سال و جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ شد و تقابل با نیروهای بنیادگرای اسلامی به یکی از موضوعات اصلی جامعه بین‌المللی و خاورمیانه تبدیل گردید. بیست سال پس از حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و عراق، این کشورها همچنان با بی‌ثباتی سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند (Fukutomi, 2024).

بر اساس گزارش توسعه انسانی عربی سازمان ملل در سال ۲۰۱۶، خاورمیانه تنها میزبان ۵ درصد از جمعیت جهان است، اما در سال ۲۰۱۴، ۴۵ درصد از حملات تروریستی جهان، ۶۸.۵ درصد از مرگ‌های مرتبط با نبردها و ۵۷.۵ درصد از پناهیان را به خود اختصاص داده بود. از سال ۲۰۱۱، تعداد پناهیانی که در سطح جهانی به دنبال پناهندگی هستند، نامشخص است؛ اما در سال ۲۰۱۸، دو نفر از هر پنج پناهجو در جهان، معادل ۸.۷ میلیون نفر، از منطقه عربی بوده‌اند (URL: 1). کنترل بر درآمد نفتی به سه روش اصلی به رهبران در خاورمیانه کمک کرده تا در قدرت بمانند. اول، این امکان را به آنها داده تا با ارائه مزایای فراوان و بدون دریافت مالیات از شهروندان، رضایت آنها را جلب کنند. دوم، رهبرانی که بیشتر بودجه خود را از صنایع ملی نفت تأمین می‌کنند، می‌توانند امور مالی کشور خود را آسان‌تر به صورت محرمانه نگه دارند؛ این محرمانه بودن به ثروت نفتی قدرت ضد دموکراتیک می‌بخشد. شهروندان وقتی از مقدار ثروتی که در کشورشان به دلیل دزدی، فساد و ناتوانی دولتی از بین می‌رود بی‌اطلاع باشند، با مالیات‌های پایین و مزایای ظاهراً سخاوتمندانه راضی می‌شوند.

نبود جامعه مدنی نیز کار را برای دموکراسی‌های نوظهور دشوار می‌کند تا ائتلاف‌های قوی در میان مخالفان رژیم قدیم تشکیل دهند؛ ائتلاف‌هایی که برای هدایت دولت‌های جدید و مقاومت در برابر بازگشت به یک نظام سیاسی خودکامه ضروری هستند (Beblawi & Luciani, 1987; Ross, 2011).

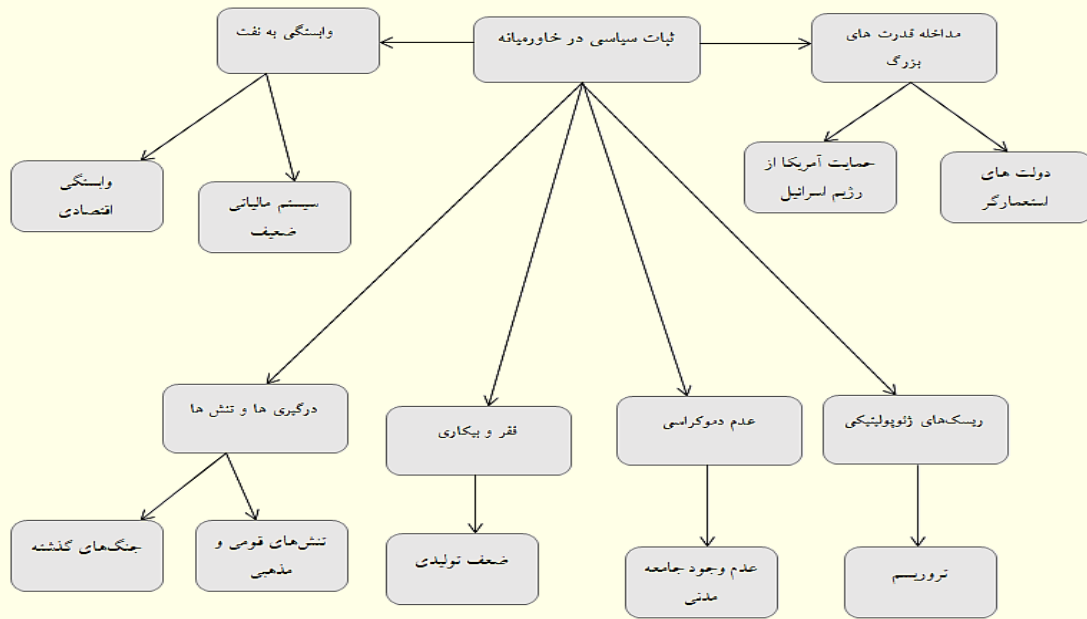
برخی از محققان بر این باور هستند که انرژی، به‌ویژه نفت، نقش مهمی در امنیت ملی دارد و می‌تواند فرصتی برای کشورهای خاورمیانه ایجاد کند. این انرژی به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که قدرت

نظامی خود را تقویت کنند و در عین حال، کشورها را از طریق صنعتی‌سازی، گسترش اقتصادی و توسعه اجتماعی مدرن کنند. به عبارت دیگر، ثروت ناشی از منابع انرژی می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در این کشورها کمک کند و آنها را قادر سازد تا در سطح جهانی تأثیرگذارتر باشند (Khan & Haque, 2019). بنابراین، ریسک‌های ژئوپلیتیکی به طور قابل توجهی بر امنیت انرژی تأثیر می‌گذارد که ناشی از بحران‌های اقتصادی، درگیری‌های بین کشورها، بی‌ثباتی سیاسی و تروریسم است. این عوامل باعث اختلال در تأمین انرژی و افزایش ناامنی انرژی شده‌اند (Khan et al, 2023). همچنین، یک استدلال برای توضیح تنش‌های تاریخی و قومی وجود دارد (Collier & Hoefler, 1998) خاورمیانه تاریخی‌ای از تنش‌های عمیق تاریخی و قومی دارد که در آن درگیری‌ها ناشی از تفاوت‌های قومی، مذهبی و وابستگی‌های قبیله‌ای بوده است. برای مردم کشورهای عربی، نیمه اول قرن بیستم تحت سلطه و استثمار امپریالیسم قرار داشتند و نیمه دوم نیز تحت سلطه و استثمار سیاستمداران خود بودند؛ آنها هرگز نتوانستند به‌عنوان شهروندان، موضوعات حقیقی جامعه شوند (Anderson, 1985, 2017).

به جز ایران، عربستان سعودی، یمن شمالی و ترکیه، همه کشورهای منطقه در این قرن چندین دهه تحت سلطه اروپا قرار داشتند. بسیاری از این کشورها، از جمله لبنان، اسرائیل، اردن، عراق و سوریه، وجود خود به‌عنوان واحدهای مستقل را مدیون تکه‌تکه شدن امپراطوری عثمانی توسط اروپا پس از جنگ جهانی اول هستند. مراکش، الجزایر، تونس، لبنان و سوریه اشکال مختلفی از سلطه فرانسوی را تجربه کردند؛ به جز لیبی تحت کنترل ایتالیا و مستعمرات اسپانیایی در مراکش، بیشتر بخش‌های دیگر منطقه تحت کنترل بریتانیا قرار گرفتند (Fukutomi, 2024).

امروزه نیز نقش قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده، در خاورمیانه و به‌ویژه در رابطه با اسرائیل، تأثیر قابل توجهی بر ثبات سیاسی منطقه دارد. سیاست‌های ایالات متحده به طور مداوم بر ایجاد صلح بین اسرائیل و فلسطینیان تأکید دارد. این فشارها می‌تواند به شکل میانجی‌گری در مذاکرات صلح، تعیین شرایط برای توافقات، یا اعمال فشار بر طرفین برای کاهش تنش‌ها باشد. در حالی که تلاش‌های صلح ممکن است در برخی موارد به نتایج مثبتی منجر شود، در مواقع دیگر می‌تواند به ایجاد احساس ناامیدی و نارضایتی در میان فلسطینیان و دیگر کشورهای عربی منجر شود، که این خود می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی منجر شود. با توجه به توضیحات فوق می‌توان عوامل اصلی و مؤلفه‌های موثر در ثبات سیاسی خاورمیانه را به شکل زیر رسم کرد.

شکل شماره ۱: عوامل اصلی و مؤلفه‌های موثر در ثبات سیاسی خاورمیانه (منبع: محقق ساخته)



سیر شکل‌گیری قدرت استراتژیک اسرائیل

دکترین امنیتی اسرائیل به‌ویژه تحت رهبری دیوید بن گوریون، نخست‌وزیر اولیه این کشور، شکل گرفت. بن گوریون بر این باور بود که اسرائیل باید نیروی نظامی بزرگ و قوی‌تری ایجاد کند تا بتواند تهدیدات احتمالی از سوی کشورهای عربی را خنثی کند. این دکترین بر اساس اصولی مانند برتری کیفی در تکنولوژی و اطلاعات و استفاده از نیروی ذخیره برای بسیج سریع در مواقع خطر طراحی شده بود. با توجه به تاریخ جنگ‌ها و چالش‌های امنیتی اسرائیل، این دکترین همچنان معتبر باقی مانده و به‌عنوان یک عامل اصلی در سیاست‌های امنیتی این کشور شناخته می‌شود (Khalid & Naz, 2018).

از دهه ۱۹۵۰، اسرائیل به توسعه برنامه هسته‌ای خود پرداخت و دکترین «ابهام هسته‌ای» را اتخاذ کرد. این دکترین به این معنا است که اسرائیل به طور رسمی وجود تسلیحات هسته‌ای خود را تأیید نمی‌کند، اما از این موضوع به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر تهدیدات نظامی از سوی کشورهای همسایه استفاده می‌کند. برنامه هسته‌ای اسرائیل، به‌عنوان یک سیاست بیمه نهایی، نقش مهمی در تأمین امنیت این کشور ایفا کرده و بر الگوهای رفتار کشورهای دیگر تأثیر گذاشته است (Mahmoud, 2024).

جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ تأثیرات عمیقی بر بازسازی قدرت استراتژیک اسرائیل داشتند. در این جنگ‌ها، اسرائیل با استفاده از استراتژی‌های مؤثر توانست برتری نظامی پیدا کرده و امنیت خود را تقویت کند. این جنگ‌ها به اسرائیل این امکان را دادند که به تأسیس و تقویت ساختارهای دفاعی خود

بپردازد و در نتیجه به ایجاد نوعی ثبات استراتژیک در منطقه کمک کرد (Lorch, 2009). توافقات صلح با مصر در سال ۱۹۷۹ و بعدها با اردن در سال ۱۹۹۴ به اسرائیل این امکان را داد که تمرکز بیشتری بر روی تهدیدات دیگر داشته باشد و منابع خود را بهبود بخشد. این توافقات به اسرائیل کمک کرد تا تهدیدات نظامی از سوی کشورهای عربی را کاهش دهد و بتواند بر روی توسعه داخلی و همکاری‌های بین‌المللی خود تمرکز کند (Pressman, 2021). تحولات سیاسی داخلی، از جمله انتخاب رهبران جدید نظامی و سیاسی، بر سیاست‌های امنیتی و دفاعی اسرائیل تأثیر گذاشته است. تغییرات در رهبری می‌تواند به تغییر در استراتژی‌های نظامی و بازنگری در دکترین‌های امنیتی منجر شود. این تغییرات می‌توانند به بهبود روابط بین‌المللی و تقویت قدرت دفاعی کمک کنند (Dekel et al, 2013).

همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی با ایالات متحده و کشورهای غربی به اسرائیل کمک کرده تا قدرت استراتژیک خود را به طور قابل توجهی تقویت کند. این همکاری‌ها به اسرائیل این امکان را داده‌اند که به تکنولوژی‌ها و سلاح‌های پیشرفته‌ای دسترسی پیدا کند که در بسیاری از زمینه‌های نظامی و اطلاعاتی برتری ایجاد کرده است. برای مثال، ایالات متحده به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحاتی اسرائیل، این کشور را به فناوری‌هایی همچون جنگنده‌های پیشرفته، سیستم‌های پدافند موشکی و تکنولوژی‌های جمع‌آوری اطلاعات پیشرفته مجهز کرده است. تبادل اطلاعات بین دو کشور نیز بخش مهمی از این همکاری‌ها را تشکیل می‌دهد؛ به‌ویژه در زمینه مقابله با تهدیدات تروریستی و مقابله با دشمنان مشترک در منطقه (Sharp, 2023).

سرمایه‌گذاری اسرائیل در فناوری‌های نوین و ارتقاء صنایع دفاعی از جمله مهم‌ترین عوامل بازسازی قدرت استراتژیک این کشور محسوب می‌شود. با توسعه فناوری‌های نظامی پیشرفته‌ای مانند سیستم‌های دفاع موشکی گنبد آهنین، اسرائیل توانسته است امنیت داخلی خود را به میزان زیادی تضمین کند. همچنین، این کشور در فناوری‌های نظارتی و اطلاعاتی هوشمند پیشگام بوده و توانسته است از این مزیت برای جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر از تهدیدات بالقوه استفاده کند. سرمایه‌گذاری گسترده در صنعت دفاعی و شرکت‌های تکنولوژی دفاعی اسرائیل نیز به پیشرفت‌هایی در تکنولوژی‌های امنیتی منجر شده که برای توان دفاعی کشور حیاتی هستند (Hadad et al, 2020).

تحولات در ساختار سیاسی و نظامی کشورهای عربی و تغییرات در روابط بین‌المللی، به‌ویژه در خاورمیانه، تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های امنیتی و دفاعی اسرائیل داشته‌اند. برای نمونه، روابط جدید اسرائیل با برخی از کشورهای عربی از طریق توافقات صلح موسوم به «پیمان ابراهیم» به این کشور

اجازه داده تا از تهدیدات نظامی سنتی که از سوی کشورهای همسایه نشأت می‌گرفت، فاصله بگیرد و به جای آن بر چالش‌های دیگر منطقه‌ای متمرکز شود. این روابط به اسرائیل امکان داده تا بر نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک خود در منطقه بیفزاید و با ائتلاف‌هایی تازه، امنیت خود را در مقابل تهدیدات موجود تقویت کند (Rehan, 2023; Abdullayev, 2024).

ریشه‌های بحران اسرائیل و ثبات سیاسی در خاورمیانه

ریشه‌های بحران اسرائیل به مهاجرت یهودیان از اروپا به سرزمین‌های فلسطینی بر می‌گردد. اسرائیل که امروزه در قلب خاورمیانه قرار دارد، موجب شده که فلسطینیان در مناطق کرانه باختری، نوار غزه و قدس شرقی که در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد، محصور شوند. این منطقه تا کنون شاهد سه جنگ بزرگ بر سر این مناقشه بوده و تلاش‌های متعددی برای حل این مسئله صورت گرفته است. ایدئولوژی صهیونیسم، که سرزمین اسرائیل را به‌عنوان خانه‌ای الهی برای تمام یهودیان تعریف می‌کند، به شکل‌گیری این کشور کمک کرده است. در نیمه اول قرن بیستم، بسیاری از یهودیان ساکن آلمان و دیگر بخش‌های اروپا برای فرار از آزار و شکنجه به این سرزمین، که اکنون اسرائیل نامیده می‌شود، مهاجرت کردند. ایجاد اسرائیل بر اساس ایدئولوژی صهیونیسم، چالشی برای کشورهای عربی بود که به ایدئولوژی‌هایی همچون پان‌عربیسم پایبند بودند (Khalid & Naz, 2018).

در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل طرحی را برای تقسیم سرزمین به سه نهاد جداگانه پیشنهاد کرد: یک دولت عربی، یک دولت یهودی و شهری به نام اورشلیم که شامل مکان‌های مقدس بود و قرار بود تحت کنترل سازمان ملل قرار گیرد. رهبران صهیونیستی با این طرح موافقت کردند، اما اعراب آن را رد کردند. در پی خروج بریتانیا از این مناطق در سال ۱۹۴۸، یهودیان اعلام استقلال اسرائیل را کردند؛ این اقدام منجر به جنگی بین دولت اسرائیل، فلسطینیان و کشورهای همسایه عرب شد. در پایان این جنگ، قدس شرقی تحت کنترل اردن و قدس غربی تحت کنترل اسرائیل قرار گرفت. جنگ دیگری در سال ۱۹۶۷ رخ داد که طی آن اسرائیل قدس شرقی را اشغال کرد (Guardia, 2002). این تحولات نه تنها زمینه‌ساز تنش‌های مستمر در خاورمیانه شدند، بلکه مبنای درگیری‌های سیاسی و نظامی زیادی را فراهم کردند که تبعات آن تا به امروز ادامه دارد.

شکل ۲: گسترش اسرائیل در خاورمیانه (URL: 2)



رانت استراتژیک اسرائیل و ثبات سیاسی و امنیتی خاورمیانه

از دهه ۱۹۷۰، ایالات متحده به طور مداوم کمک‌های نظامی و اقتصادی به اسرائیل ارائه داده است. این کمک‌ها شامل ارائه پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی، اطلاعات امنیتی و پشتیبانی اقتصادی می‌شود که توان نظامی اسرائیل را به مراتب از کشورهای عربی همسایه بالاتر برده است. به‌عنوان مثال، در جریان جنگ‌های خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳، کشورهای عربی چندین بار علیه اسرائیل وارد جنگ شدند، اما این حمایت‌ها به اسرائیل کمک کرد که بتواند در برابر اتحاد چندین کشور عربی مقاومت کند و حتی پیروزی‌هایی به دست آورد (Lorch, 2009). این مسئله سبب شد تا کشورهای عربی به‌ویژه مصر و اردن، مجبور به امضای قراردادهای صلح با اسرائیل شوند. حمایت‌های بی‌قید و شرط آمریکا و برخی کشورهای غربی از اسرائیل، قدرت مانور این کشور را در برخورد با مسئله فلسطین افزایش داده است. در حالی که فلسطینیان خواهان ایجاد یک کشور مستقل هستند، اسرائیل با تکیه بر حمایت‌های استراتژیک خود، سیاست‌های خود را پیش برده و در بسیاری از موارد از تعهد به توافقات بین‌المللی خودداری کرده است. به‌عنوان مثال، برنامه توسعه شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری یکی از مواردی است که اسرائیل با پشتیبانی استراتژیک خارجی، با وجود مخالفت‌های بین‌المللی آن را دنبال

کرده و این مسئله همواره به‌عنوان عاملی در جهت افزایش تنش‌ها و کاهش ثبات در منطقه عمل کرده است.

در سال‌های اخیر، با پیمان ابراهیم که بین اسرائیل و کشورهای عربی همچون امارات متحده عربی و بحرین برقرار شد، تعادل قوا در منطقه به نحو قابل توجهی تغییر کرده است. این پیمان‌ها که با حمایت و میانجی‌گری ایالات متحده انجام شدند، به اسرائیل اجازه دادند که روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با برخی کشورهای عربی بهبود بخشد. از یک سو، این توافقات باعث کاهش دشمنی‌ها و درگیری‌های مستقیم میان اسرائیل و برخی از کشورهای عربی شده، اما از سوی دیگر، برخی کشورها مانند ایران و گروه‌های مقاومت در منطقه، این پیمان‌ها را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت و حاکمیت خود تلقی کرده و این مسئله به افزایش رقابت‌های نظامی و امنیتی منجر شده است.

تقابل بین اسرائیل و ایران یکی دیگر از نمونه‌های بارز تأثیر رانت استراتژیک بر امنیت منطقه است. اسرائیل با حمایت‌های استراتژیک از سوی آمریکا و برخی قدرت‌های غربی، همواره تلاش کرده تا برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند و بارها تهدید به حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران کرده است. این تهدیدها و سیاست‌های تقابلی، از جمله اقدامات مخفیانه و حملات سایبری، به افزایش تنش‌ها و بی‌ثباتی در خاورمیانه دامن زده است.

چارچوب نظری پژوهش

تحلیل نسبت ثبات سیاسی و رانت استراتژیک در خاورمیانه، به‌ویژه با توجه به جایگاه رژیم اسرائیل، نیازمند توجه به چندین تئوری و نظریه کلیدی است که می‌توانند به درک بهتر این روابط کمک کنند. تئوری وابستگی¹ بیان می‌کند که کشورهای کمتر توسعه یافته به منابع و حمایت‌های خارجی وابسته هستند و این وابستگی می‌تواند بر ثبات سیاسی، امنیت و اقتصاد آنها تأثیر بگذارد. تئوری وابستگی در کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه آن‌هایی که به منابع نفت و گاز وابسته هستند، بر تأثیرات منفی این وابستگی بر توسعه سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. این تئوری تشریح می‌کند رانت استراتژیک برای کشورهای وابسته به منابع طبیعی، به‌ویژه نفت و گاز، سبب می‌شود که این کشورها طور معمول در یک چرخه وابستگی به کشورهای توسعه یافته قرار گیرند. این وابستگی باعث می‌شود که این کشورها

توانایی کمتری برای ایجاد نهادهای سیاسی و اقتصادی پایدار داشته باشند و در نتیجه، ثبات سیاسی آنها به شدت تحت تأثیر قرار گیرد (Hafez, 2014).

در خاورمیانه، بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت مانند عربستان سعودی، ایران، و عراق، به شدت به درآمدهای نفتی وابسته هستند. این وابستگی به نفت به آنها امکان می‌دهد تا منابع مالی قابل توجهی برای تأمین نیازهای اقتصادی و نظامی خود داشته باشند، اما در عین حال، آنها را در معرض نوسانات بازار جهانی نفت و تغییرات سیاسی بین‌المللی قرار می‌دهد. برای مثال، کاهش قیمت نفت می‌تواند به سرعت به مشکلات اقتصادی و اجتماعی در این کشورها منجر شود و موجب بی‌ثباتی سیاسی گردد. در مورد اسرائیل، این وابستگی به ایالات متحده و کشورهای غربی به آن امکان می‌دهد تا از رانت‌های استراتژیک بهره‌برداری کند. حمایت‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده به اسرائیل اجازه می‌دهد تا نه تنها به تقویت موقعیت خود در خاورمیانه بپردازد بلکه همچنین به ثبات داخلی خود توجه کند. این وضعیت می‌تواند در مواردی منجر به افزایش نارضایتی‌های اجتماعی شود، زیرا وابستگی به قدرت‌های خارجی ممکن است احساس بی‌ثباتی و عدم کنترل درون کشور را افزایش دهد. از طرفی تئوری بازی‌ها^۱ به تحلیل تعاملات استراتژیک میان کشورها می‌پردازد. در خاورمیانه، کشورهای منطقه به صورت مستمر در حال ارزیابی و واکنش به اقدامات یکدیگر هستند. در این چارچوب، کشورهایی که به نفت و سایر منابع طبیعی وابسته‌اند، با بازیگران داخلی (مانند گروه‌های سیاسی و اجتماعی) و خارجی (مانند کشورهای واردکننده نفت) در تعامل استراتژیک قرار دارند. در بازی رانت، دولت به‌عنوان یک بازیگر اصلی نقش توزیع‌کننده رانت را دارد و تصمیمات آن تحت تأثیر روابط با سایر بازیگران و نیاز به حفظ ثبات سیاسی است. از منظر بازی‌های بین‌المللی، کشورهای وابسته به نفت در تعاملات پیچیده با قدرت‌های خارجی قرار دارند. بازی‌های هم‌زمان و تکراری میان این کشورها و واردکنندگان نفت، این فرصت را به کشورهای رانتی می‌دهد که از منابع خود به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی در روابط بین‌المللی استفاده کنند. این چانه‌زنی می‌تواند ثبات کوتاه مدت ایجاد کند، اما در صورت عدم مدیریت مناسب، ممکن است به وابستگی بیشتر به بازیگران خارجی منجر شود و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور را تهدید کند (Ahmad, 2020).

اسرائیل به عنوان یک قدرت نظامی برجسته، نیازمند ایجاد توازن قوا در برابر تهدیدات احتمالی است. این تئوری نشان می‌دهد که رفتارهای استراتژیک اسرائیل و کشورهای همسایه تحت تأثیر ارزیابی‌های متقابل و منافع ملی است. به عنوان مثال، استفاده از رانت‌های استراتژیک می‌تواند به تقویت موقعیت نظامی و اقتصادی اسرائیل کمک کند، در حالی که در عین حال تهدیداتی از سوی کشورهای دیگر به دنبال دارد (Gassama et al, 2020).

نظریه نظم نوین^۱ به تحولاتی اشاره دارد که در نظام‌های بین‌المللی رخ می‌دهند و تأثیر قدرت‌های جدید بر ساختارهای موجود را بررسی می‌کند. با تغییرات عمده‌ای که در نظم جهانی، به ویژه در خاورمیانه، به وجود می‌آید. کشورهای خاورمیانه، به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی خود، در دنیای امروز تحت فشارهای متنوعی قرار دارند. تغییرات در نظم جهانی، مانند ظهور قدرت‌های نوظهور و تغییر در سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده، می‌تواند بر سیاست‌گذاری و روابط بین‌المللی این کشورها تأثیرگذار باشد. برای مثال، با افزایش نفوذ چین و روسیه در منطقه، کشورهای خاورمیانه باید به دنبال متعادل‌سازی روابط خود با این قدرت‌ها باشند تا منافع ملی خود را حفظ کنند (Friedman, 2016).

علاوه بر این، با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی داخلی، نظیر بهار عربی و ناآرامی‌های بعد از آن، بسیاری از کشورهای خاورمیانه با چالش‌های جدی در زمینه ثبات سیاسی مواجه هستند. این تحولات نه تنها تأثیر مستقیمی بر قدرت‌های داخلی دارند، بلکه می‌توانند منجر به افزایش نفوذ بازیگران غیر دولتی مانند گروه‌های تروریستی و شورشی نیز شوند در نتیجه، کشورهای این منطقه باید به طور مداوم استراتژی‌های امنیتی و سیاسی خود را تطبیق دهند تا در برابر این تهدیدات مقاومت کنند. اسرائیل ناگزیر به بازنگری و تطبیق استراتژی‌های خود پرداخته است. این تغییرات ناشی از ظهور قدرت‌های جدید، تحولات اجتماعی و اقتصادی و همچنین تغییرات در سیاست‌های قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، روسیه و چین است. اسرائیل به عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه، در مواجهه با این تحولات باید بتواند به سرعت به شرایط جدید واکنش نشان دهد. به عنوان مثال، تغییر در سیاست‌های ایالات متحده، مانند تغییرات در حمایت‌های نظامی و اقتصادی، می‌تواند تأثیر عمیقی بر ثبات سیاسی اسرائیل و توانایی آن در بهره‌برداری از رانت‌های استراتژیک داشته باشد.

روش تحقیق

روش انجام پژوهش کیفی، از نظر روش گردآوری اطلاعات اسنادی و از نظر روش تحلیل اطلاعات، توصیفی / تحلیلی است. روش اسنادی به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از منابع موجود، از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی، اسناد دولتی، گزارش‌ها و دیگر مستندات اشاره دارد. در این روش، پژوهشگر به دنبال دسترسی به اطلاعات معتبر و مستند است تا بتواند به تحلیل دقیق‌تری از موضوع مورد بررسی بپردازد. همچنین در این روش محقق با استناد به منابع کتبی مانند مقالات، کتب و پایان‌نامه‌ها سعی در تحلیل روابط بین متغیرها و پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش دارد.

یافته‌های پژوهش

خاورمیانه به‌عنوان یک منطقه‌ای با تاریخچه‌ای پیچیده و پر از تنش، تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متعددی قرار دارد. بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در این منطقه، عمدتاً ناشی از رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای است که به‌ویژه در زمینه منابع طبیعی نظیر نفت و گاز شکل گرفته است. این منابع، نقش کلیدی در تعیین قدرت و استراتژی‌های کشورهای منطقه ایفا می‌کنند. به‌ویژه کشورهای نفت‌خیز نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با بهره‌برداری از درآمدهای حاصل از این منابع، به حفظ ثبات داخلی و تقویت قدرت نظامی خود پرداخته‌اند.

در این زمینه، رژیم اسرائیل با تکیه بر رانت استراتژیک خود، توانسته با بهره‌گیری از حمایت‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده، جایگاه خاصی در خاورمیانه پیدا کند. این حمایت‌ها به اسرائیل این امکان را می‌دهند که با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و توسعه صنایع نظامی، امنیت خود را تقویت کرده و به تهدیدات منطقه‌ای واکنش سریع‌تری نشان دهد. در این راستا، رفتارهای تهاجمی این رژیم، به‌ویژه در پی بحران‌های اخیر، تنش‌ها را در خاورمیانه افزایش داده و بر شرایط امنیتی تأثیر عمیق‌تری می‌گذارد. تئوری وابستگی در این رابطه توضیح می‌دهد که چگونه کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در خاورمیانه، در یک سیستم جهانی نامتوازن اقتصادی (اقتصاد وابسته به نفت) قرار دارند که موجب وابستگی آنها به قدرت‌های بزرگ می‌شود. این وابستگی‌ها در مورد اسرائیل به‌طور خاص، به این معنی است که این رژیم به منابع و حمایت‌های خارجی برای حفظ ثبات داخلی و پیشبرد اهداف سیاسی خود نیاز دارد. از سوی دیگر، این وابستگی می‌تواند به رفتارهای تهاجمی و اتخاذ سیاست‌های امنیتی سختگیرانه منجر شود که بر بی‌ثباتی منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. به عبارتی، اسرائیل با استفاده از رانت استراتژیک خود،

ضمن تقویت قدرت نظامی، سعی دارد جایگاه خود را در این سیستم وابسته حفظ کند، در حالی که این امر می‌تواند به افزایش تنش‌ها و بی‌ثباتی در میان کشورهای همسایه منجر شود.

نظریه بازی‌ها نیز در تحلیل این شرایط می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این نظریه توضیح می‌دهد که در شرایط بی‌ثباتی، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با توجه به منافع خود، به انجام رفتارهای رقابتی و حتی خصمانه روی می‌آورند. به‌عنوان مثال، واکنش‌های نظامی و دیپلماتیک اسرائیل به تهدیدات از سوی کشورهای همسایه، نمایانگر یک بازی استراتژیک است که در آن این رژیم تلاش می‌کند تا با ایجاد توازن قوا، برتری خود را حفظ کند. این رویکرد نه تنها امنیت اسرائیل را تقویت می‌کند، بلکه به تشدید بحران‌ها و درگیری‌ها در خاورمیانه دامن می‌زند.

همچنین، درگیری‌های تاریخی و مذهبی در این منطقه، با بهره‌برداری از رانت‌های استراتژیک، به بی‌ثباتی بیشتر دامن زده است. کشورها با استفاده از درآمدهای نفتی، قادر به تقویت ساختارهای قدرت خود شده و از فشارهای اقتصادی داخلی جلوگیری می‌کنند. این وضعیت از یک سو به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کند و از سوی دیگر، مانع از ایجاد تغییرات اساسی در سیستم‌های حکومتی و نهادهای اجتماعی می‌شود.

تحلیل رابطه میان ثبات سیاسی و رانت استراتژیک در خاورمیانه، می‌تواند به شناخت بهتر پویایی‌های داخلی و تأثیرات آن بر سیاست‌های خارجی کمک کند. همچنین، بحران‌های فعلی و تنش‌های میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند به‌عنوان عاملی برای شکل‌دهی به آینده سیاسی این منطقه در نظر گرفته شود. به این ترتیب، خاورمیانه نه تنها به دلیل منابع طبیعی‌اش، بلکه به خاطر پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی، به یکی از کانون‌های توجه بین‌المللی تبدیل شده است.

بحث و جمع‌بندی

همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره گردید، هدف اصلی در این مقاله بررسی نسبت ثبات سیاسی و رانت استراتژیک در خاورمیانه: با تأکید بر جایگاه رژیم اسرائیل و پاسخگویی به سه سوال اصلی پژوهش است. در سوال اول پژوهش، هدف تبیین ارتباط بین بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در خاورمیانه و استراتژی‌های تهاجمی رژیم اسرائیل بود. با توجه به مطالعات اسنادی پژوهش می‌توان این گونه تبیین کرد که بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در خاورمیانه، به‌ویژه در اثر درگیری‌های مذهبی و قومی، زمینه مناسبی برای تقویت استراتژی‌های تهاجمی رژیم اسرائیل ایجاد کرده است. اسرائیل با استفاده از این بی‌ثباتی و البته حمایت‌های نظامی و قانونی ایالات متحده آمریکا، به نوعی قدرت خود را در منطقه تثبیت کرده

و با به کارگیری توان نظامی پیشرفته و تکنولوژی‌های نوین، در برابر تهدیدات واکنش نشان می‌دهد. در این میان، بحران‌ها و تنش‌های جاری در کشورهای همسایه، به رژیم اسرائیل این امکان را می‌دهد که با افزایش حضور نظامی و انجام عملیات‌های پیشگیرانه، تهدیدات احتمالی را کاهش دهد. به این ترتیب، اسرائیل با بهره‌گیری از شرایط ناپایدار منطقه، به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود است، که این امر خود موجب تشدید بی‌ثباتی می‌شود. در پاسخ به سوال دوم، یافته‌ها نشان می‌دهد حمایت‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده از رژیم اسرائیل، به‌عنوان یک عامل کلیدی در تقویت رانت استراتژیک این کشور محسوب می‌شود. این حمایت‌ها به رژیم اسرائیل اجازه می‌دهد تا صنایع نظامی پیشرفته‌ای ایجاد کند و در توسعه فناوری‌های دفاعی خود پیشرو باشد. به علاوه، این حمایت‌ها موجب می‌شود که اسرائیل بتواند در برابر تهدیدات منطقه‌ای به طور مؤثری عمل کند و جایگاه سیاسی خود را در عرصه بین‌المللی تقویت نماید. در نتیجه، این الگو از حمایت نه تنها امنیت اسرائیل را تقویت می‌کند بلکه به ایجاد یک دایره باطل منجر می‌شود که در آن اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ظاهر می‌شود و در عین حال، شرایط ناپایدار منطقه را حفظ می‌کند.

در پاسخ به سوال سوم که در پی تبیین رانت استراتژیک در کشورهای نفتی و ارتباط آن با ثبات سیاسی داخلی و منطقه‌ای می‌توان گفت که رانت استراتژیک در کشورهای نفتی، به‌ویژه عربستان و ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی به ثبات سیاسی داخلی و منطقه‌ای ایفا می‌کند. درآمدهای حاصل از نفت به این کشورها اجازه می‌دهد تا به تقویت ساختارهای سیاسی و اقتصادی خود بپردازند و از فشارهای اجتماعی جلوگیری کنند. این کشورها با استفاده از رانت نفتی، قادر به تأمین نیازهای اقتصادی شهروندان خود و حفظ کنترل بر نهادهای دولتی هستند. با این حال، این وابستگی به درآمدهای نفتی ممکن است منجر به بی‌ثباتی در شرایطی شود که قیمت نفت کاهش یابد یا تقاضا برای آن تغییر کند. به همین ترتیب، در سطح منطقه‌ای، رقابت برای کنترل منابع نفتی و قدرت ناشی از آن، ممکن است به تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها بین کشورهای مختلف منجر شود، که خود این امر می‌تواند ثبات کلی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

به طور کلی می‌توان گفت که در خاورمیانه، رژیم اسرائیل با بهره‌گیری از حمایت‌های نظامی و اقتصادی گسترده غرب، رانت استراتژیک را ایجاد کرده که به این رژیم در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و تقویت نفوذ خود کمک کرده است. این پشتیبانی‌ها، با توجه به شرایط متزلزل سیاسی و امنیتی منطقه، رژیم اسرائیل را قادر ساخته تا به سیاست‌های تهاجمی روی آورده و ضمن گسترش نفوذ خود، به

چالش‌های بیشتری برای کشورهای همجوار دامن بزند. از سوی دیگر، رانت‌های استراتژیک حاصل از منابع نفتی در کشورهای خاورمیانه مانند عربستان و ایران، عامل کلیدی در تقویت ثبات داخلی آنها بوده و در عین حال، به رقابت‌های منطقه‌ای و تنش‌های امنیتی دامن زده است. به این ترتیب، رانت استراتژیک به‌عنوان ابزاری مؤثر برای مدیریت ثبات نسبی داخلی و مقابله با تهدیدات خارجی در خاورمیانه عمل کرده، اما هم‌زمان به تقویت رویکردهای رقابتی و تهاجمی نیز منجر شده است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ارغوانی پیرسلامی، فریرز؛ دهقان، علی، و مرادی، آرش (۱۴۰۳). اجماع نوظهور نفتی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس؛ تبیین گذار از رانت تخصیصی به رانت مولد، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، (۲) ۱۶، ۳۹-۵۶.
- ۲- لطفیان، سعیده (۱۳۹۶). دیدگاه راهبردی اسرائیل و برآورد تهدید امنیتی آن برای خاورمیانه، *فصلنامه سیاست*، (۱) ۴۷، ۱۷۹-۲۰۰.
- ۳- عطارزاده، مجتبی (۱۳۹۷). سیاست آبی اسرائیل؛ تهدید امنیت خاورمیانه در رهیافتی واقع‌انگارانه، *نشریه جغرافیای سیاسی*، ۱۰، ۱-۱۵.
- ۴- محمدی، محمدرضا؛ صفوی، سید حمزه، و ثمودی، علیرضا (۱۳۹۷). تحلیل بحران‌های امنیتی خاورمیانه در افق ۲۰۳۵، *فصلنامه بحران‌پژوهی جهان اسلام*، ۳ (۴)، ۱۰۱-۱۲۳.

منابع غیر فارسی

- 1- Abdullayev, H. P. (2024). Between Peace and Conflict: The Middle East After the Abraham Accords. *Vestnik RUDN. International Relations*, 24(1), 40-50.
- 2- Ahmad, A. (2023). Land for peace? Game theory and the strategic impediments to a resolution in Israel-Palestine. *Defence and Peace Economics*, 34(4), 385-409.
- 3- Alsayegh, O. (2023). *How Economic and Political Factors Drive the Oil Strategy of Gulf Arab States*. Center for Energy Studies & Edward P. Djerejian Center for the Middle East. <https://www.bakerinstitute.org/research/how-economic-and-political-factors-drive-oil-strategy-gulf-arab-states>.
- 4- Amour, P. O. (2017). Israel, the Arab Spring, and the unfolding regional order in the Middle East: A strategic assessment. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 44(3), 293-309.
- 5- Anderson, L. (1987). The state in the Middle East and North Africa. *Comparative Politics*, 20(1), 1-18.
- 6- Anderson, L. (May 1985). Assessing Libya's Qaddafi. *Current History*, 84(502), 197-200, 226-227. North Africa.
- 7- Anderson, L. (Spring 2017). They defeated us all. *Middle East Journal*, 71(2), 229-247
- 8- Beblawi, H., & Luciani, G. (Eds.). (1987). *The rentier state*, Croom Helm.

- 9- Beck, M., & Richter, T. (2021). Oil and the political economy in the Middle East: Overcoming rentierism?. In *Oil and the political economy in the Middle East* (pp. 237-268). Manchester University Press.
- 10- Bjarvatn, K., & Farzanegan, M. R. (2015). Natural-resource rents and political stability in the Middle East and North Africa. *CESifo DICE Report*, 13(3), 33-37.
- 11- Dekel, U., Brom, S., & Schweitzer, Y. (2013). Israel's Current Strategic Security Challenges'. *Strategic Survey for Israel*, 2014, 123-137.
- 12- Dizaji, S. F. (2024). The impact of negative oil shocks on military spending and democracy in the oil states of the greater Middle East: Implications for the oil sanctions. *Journal of Peace Research*, 61(2), 197-213.
- 13- Fukutomi, M. (2024). Oil or geopolitical issues?: Quantitative rethinking of political instability in the Middle East and North Africa. *GeoJournal*, 89(2), 55.
- 14- Gassama, S. K., Ebrahimi, M., & Yusoff, K. B. (2020). The oil hegemonic system and game theory: regional versus trans-regional powers in the middle east. *Contemporary Review of the Middle East*, 7(3), 358-376.
- 15- Guardia, A. L. (2002). History of the Middle East conflict. *The Telegraph*. Retrieved from <http://www.telegraph.co.uk/news/1400184/History-of-the-MiddleEast-conflict.html>.
- 16- Hadad, S., Fadlon, T., & Even, S (2020) Israel's Defense Industry and US Security Aid.
- 17- Hafez, A. A. (2014). Dependency Theory on Examining the Relationship between the United States and the Middle East: In the Case of Iran, Saudi Arabia, and Turkey. *International Journal of Law and Political Sciences*, 15(1), 105-108.
- 18- Khalid, I., & Naz, U. (2018). Middle East in crisis. *Journal of Political Studies*, 25(2), 21-38.
- 19- Khan, R., Haque, M. I. (2019) Oil, development, and military expenditure: Panel data evidence from the Middle East. *Journal of Security and Sustainability Issues*, 8(4), 549-568.
- 20- Khan, R., Khurshid, A., & Cifuentes-Faura, J. (2023). Energy security analysis in a geopolitically volatile world: A causal study. *Resources Policy*, 83, 103673.
- 21- Lorch, N. (2009). *The Arab-Israeli Wars*. Universitätsbibliothek Johann Christian Senckenberg.
- 22- Mahmoud, K. Evolution of Israeli Military Doctrine: Adaptability in Response to Shifting Strategic Environments.
- 23- Pressman, J. (2021). Assessing One-State and Two-State Proposals to Solve the Israel-Palestine Conflict. *E-International Relations*. Available online at: <https://www.eir.info/2021/06/27/assessing-one-state-and-two-state-proposals-to-solve-the-israelpalestine-conflict/> (accessed September 16, 2022).
- 24- Rehan, S. (2023). Israel-Palestine conflict and Arab League policy towards the conflict resolution.: A case study of Neorealism, Constructivism and Arab League Analysis.
- 25- Ross, M. L. (2011). Will oil drown the Arab Spring? *Democracy and the resource curse*. *Foreign Affairs*, 90(5), 2-4, 5-7.
- 26- Sharp, J. M. (2023). *U.S. foreign aid to Israel*. Congressional Research Service, Library of Congress.
- 27- Talbi, M. (2000). A record of failure. *Journal of Democracy*, 11(3), 58-68.

منابع اینترنتی

- 1- URL1:<https://www.unilibRARY.org/content/periodicals/25202189#:~:text=The%20Arab%20Human%20Development%20Report,MSMEs%20and%20labour%20markets%3B%20displacement.>
- 2- URL 2: <http://www.jailingopinions.com/una.htm>.